



نشر گوی



سرشناسه: حسینی، محمدرضا، ۱۳۵۹ -  
عنوان و نام پدیدآور: خدای عصر ارتباطات / نویسنده محمدرضا حسینی.  
مشخصات نشر: تهران: گوی، ۱۳۸۸.  
مشخصات ظاهری: ۲۴۸ص.  
فروست: بهائی پژوهی  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۰۲۸-۱-۵  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.  
موضوع: بهائیکری -- ایران  
موضوع: بهائیکری -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها  
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ خ ۴ ۵۲ ح / BPT۳۰  
رده بندی دیوبی: ۲۹۷/۵۶۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۹۳۴۰۰  
تاریخ درخواست: ۱۳۸۸/۱/۲۶  
تاریخ پاسخگویی: ۱۳۸۸/۲/۵  
کد پیگیری: ۱۶۹۲۳۲۷

بهائیکری پژوهی  
خدای عصر ارتباطات

نویسنده: سید محمد رضا حسینی

ناشر: انتشارات گوی

چاپ و لیتوگرافی: نقش‌آور

صحافی: یکنافر

نظارت چاپ: مهفام گرافیک

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ دوم: ۱۴۰۳

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۳۳-۱۷-۱

## فهرست

- ۲ ..... پیش گفتار
- ۳ ..... انگیزه نگارش این نوشته
- ۹ ..... آدمی زاده ناتوان!
- ۱۱ ..... ویژگی پیامبران
- ۱۴ ..... اساس ادیان الهی
- ۱۷ ..... معیار خفایت پیامبر
- ۲۰ ..... باب و ادعای ذات خدا بودن!
- ۲۴ ..... خدای عصر ارتباطات!
- ۲۵ ..... زاده شدن خدایی که نه زاده می شود و نه می زاید!
- ۲۷ ..... خدای زندانی!
- ۳۳ ..... خدای قادر و قاهر اسلام
- ۳۵ ..... خدای خدایان!
- ۳۹ ..... قبله و مقصود و معبود در نماز!
- ۴۳ ..... فرزند خدا
- ۴۶ ..... سخنی با خداپرستان
- ۴۸ ..... یادآوری

«مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا يَنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ.»

هیچ بشری را نرسد که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد سپس او به مردم بگوید:

«به جای خدا، بندگانش باشمید.»

بلکه [باید بگوید]:

«به سبب آنکه کتاب [آسمانی] تعلیم می دادید و این رو که درس می خواندید، علمای

دین باشمید.»<sup>۱</sup>

۱. آل عمران (۳): ۷۹. آیه شریفه بیان گر آن است که پیامبران به پیروان راستین خویش می گویند: شما به خاطر آن که دانا در دین هستید، باید بیشتر مردم را به سوی خداوند دعوت کنید. در این نوشتار، برای ترجمه آیات قرآن، از ترجمه آقای فولادوند استفاده شده است.



## انگیزه نگارش این نوشتار

چندی پیش یکی از همکارانم، در حالی که تلفن همراهش را در دست داشت، نزد من آمد و با تعجب پرسید: «بهجی» قبله کدام دین است؟ از پرسش ناگهانی او شگفت زده شدم و پرسیدم: چه طور؟! گفت: در برنامه ای که برای پیدا کردن قبله روی موبایلم نصب کرده ام، غیر از مکه و بیت المقدس، قبله ای دیگر به اسم «بهجی در اسرائیل» دارد... مگر هنوز پیروان دینی از ادیان به جز مسلمانان و یهودیان به جا مانده اند که قبله داشته باشند؟ من که هنوز شگفت زده بودم، به او گفتم: قبل از این که بدانی «بهجی» کجاست، باید بدانی طلای بدلی و تقلبی وقتی می تواند خریدار ساده و بی تجربه را به سوی خود جلب کند و موجب فریب و گمراهی او شود که زرق و برق و پوشش طلای خالص را داشته باشد. از همین روست که نیرنگ بازان و بدل سازان، رنگ و رو و آب و لعابی از جنس اصلی را به جنس بی ارزش خود می افزایند؛ به همین سان مدعیان دروغین پیامبری و دین های ساختگی، از راه برگرفتن برخی مطالب مثلاً نوعی نماز و عبادات و احکام و آداب تقلیدی



از ادیان واقعی، عقیدهٔ باطل خود را به بازار دین فروشان عرضه می‌کنند. پس عجیب نیست که گروهی به نام «بهائیان» هم قبله داشته باشند. آری دوست من، «بهجی» نام قبله‌ی بهائی هاست. جالب آن‌که پیروان این مسلک در زمان زندگی رهبرشان رو به میرزا حسین علی نوری - که او را بهاء الله می‌خوانند - نماز می‌خواندند و اکنون که او از دنیا رفته است قبر او را در اسرائیل قبله قرار داده‌اند.<sup>۱</sup>

برای چند لحظه ساکت ماند؛ دانستم از جوابم جا خورده و به فکر فرو رفته است... پس از اندکی درنگ گفت: یعنی صودی به نزدیکان و پیروان خود دستور می‌دهد در مقابلش نماز بخوانند؛ به رکوع روند و سر به سجده گذارند؟!... آخر چنین چیزی خلاف روش تمام پیامبران خداست. حتی تصور چنین حکمی برآیم آزردهنده است و از آن آزردهنده‌تر این که دیگرانی هم پیدا شوند که این کار ذلت بار را به اسم دین خدا انجام دهند.

گفتم: خیال ریاست و شهوت مقام، امری است که اگر مهار نشود، انسان را به هر کاری وادار می‌کند. عزّیّه خانم، خواهر میرزا حسین علی که ظاهراً از کودکی و نوجوانی با برادرش زندگی کرده و باطن وجود او را خوب شناخته، دربارهٔ او می‌گوید:

۱. در آینده در این باره بیش تر گفت و گو خواهیم کرد.



«...همیشه بذر خیال ریاست و هوای سلطنت در اراضی دماغ و دل می کاشت. از همان وقت ایشان را سودای جهان گیری در دل و هوای گردون سیریری در سر بود...»<sup>۱</sup>

او هم چنین در جای دیگر پس از نقل برخی از گفته های برادرش، چنین می گوید:

«من از این عبارات آن چه فهمیده ام این مرد غیر از شعبده بازی و شبهه کاری و خیال ریاست چیززی در خاطر نداشته و جز بذر آمال و امانی که منتهای آرزوی اهل دنیا است در اراضی دل نکاشته...»<sup>۲</sup>

پس از چند لحظه درنگ، همکار جوانم گفت: من پیش از این فکر می کردم بهائیت خود را دین الهی و در ادامه اسلام معرفی می کند و می دانستم آن ها اصرار دارند که بگویند رهبرشان از طرف خدا به پیامبری مبعوث شده است. یعنی چه طور ممکن است فردی، از سویی ادعا کند که همان خدایی که مسلمانان به آن معتقدند آمده است و از سوی دیگر از مردمان بخواهد که به سمت او نماز بخوانند؟ آیا این گفته، نوعی ادعای خدایی نیست؟»

۱. تنبیه التائمین: ۶.

۲. تنبیه التائمین: ۵۴.



به او گفتیم: «عجله نکن. به مطلب خوبی اشاره کردی. حال که بحث از این موضوع به میان آمد، بگذار تا کمی درباره اش برایت بگویم؛ چرا که این گونه ادعاهای میرزا حسین علی نوری - که به بهاء الله مشهور است - تنها به این نکته محدود نمی شود؛ بلکه وی پارا فراتر نهاده است... این قدر برایت بگویم که خدای بهائیان خدای مان نیست... اما برای این که این قضیه را به خوبی دریایی، لازم است پیش از این که سخنان میرزای نوری را درباره خداوند بررسی کنیم، اندکی درباره پروردگار توانا - که خود به آن معتقدیم و او را می پرستیم - سخن بگویم. در این صورت، اگر تمایزی در این میان وجود داشته باشد، به خوبی فهمیده می شود. ضمناً برای این که موضوع به صورت مستند ارائه شده باشد، فقط از منابعی استفاده می کنم که نزد بهائیان معتبر است و طبعاً کاری به گفته های خواهر میرزا حسین علی - که مورد قبول بهائیان نیست - نخواهم داشت. هر چند گفته اند: *أهل البيت أدری بما فی البيت: اهل خانه از احوال خودشان بهتر از هر کسی خبر دارند.*

آری دوست من، در مطالب و گفتار رهبران و مبلغان بهائی، خلاف گویی ها و تناقض های حیرت انگیزی وجود دارد که از شنیدن آن ها بسیار شگفت زده خواهی شد. اینک اجازه بده نخست، عقیده اسلام و مسلمانان را درباره خداوند آفریدگار جهان به اجمال و اختصار بدانیم.